

دائمی در ۱۹۸۷ در جهت پایان دادن به جنگ ایران و عراق و تصویب قطعنامه ۵۹۸ بوده است. ولی نقطه اوج این همکاری در جریان تهاجم عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ صورت گرفته است. در این مورد ظرف مدت کوتاهی، چندین قطعنامه یکی پس از دیگری در شورای امنیت به تصویب رسید و برای اولین بار از تشریفات مقرر در فصل هفتم منشور، یعنی اقدام گام به گام، در جهت اجرای ضمانت اجراها استفاده شد. اساس این همکاری توافق بین سران آمریکا و شوروی و وزیران خارجه دو کشور (بیکر و شواردناده) در ۱۹۹۰ بود. هر دو طرف مصمم بودند که رئیس جمهور عراق از تجاوز به کویت بهره ای نبرد.

سازمان ملل متحد: ایران و عراق

Cameron R. Hume, *The United Nations, Iran and Iraq*, Bloomington: Indiana University Press, 1994, 269 pages.

اگرچه شوروی اصرار داشت که شورای امنیت ابتدا با اقدامات دیپلماتیک عراق را متقاعد سازد تا دست از تجاوز به کویت بردارد؛ زیرا شوروی از متحدان سابق عراق بود و برای آن کشور دشوار بود که اقدام نظامی علیه عراق را تجویز کند. سفیر آمریکا، جین کرک پاتریک، (Jean Kirkpatrick) بر این عقیده بود که پس از جنگ سرد آمریکا و شوروی هر دو تعریف مشابهی از «تجاوز» دارند و بنابراین، سازمان ملل متحد می تواند ابزار سودمندی در جهت تامین صلح و حل مناقشات منطقه ای باشد. به نظر او، این همکاری به

کتاب سازمان ملل متحد: ایران و عراق نوشته کامرون هیوم گرچه عمدتاً به بررسی جنگ ایران و عراق در دهه ۸۰ می پردازد، ولی در واقع مسائلی را که درخصوص ایران و عراق از ۱۹۴۵ به بعد در شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح شده بررسی می کند. نویسنده بر این عقیده است که شورای امنیت در زمان جنگ سرد، عمدتاً صحنه مقابله و کشمکش بین آمریکا و شوروی و کسب امتیازات لفظی بوده، ولی این وضع از ۱۹۸۵، یعنی دوره گورباچف، تغییر کرده و اولین نمونه همکاری اعضای

حوزه های دیگر تنش و بحران مانند افغانستان، کامبوج، نامیبیا و نیکاراگوا نیز گسترش یافته است.

مسئله ایران (۱۹۴۶)

کتاب با بررسی اولین بحران در روابط آمریکا و شوروی در شورای امنیت، یعنی با طرح شکایت ایران از حضور نیروهای شوروی و مداخله آن کشور در امور داخلی ایران (ژانویه ۱۹۴۶) آغاز می شود. با طرح مسئله در شورای امنیت و گنجاندن موضوع در دستور کار - به رغم مخالفت شوروی - آمریکایی ها توانستند این کشور را برای خروج از ایران تحت فشار قرار دهند. سرانجام، پس از مذاکرات قروام در مسکو و با سفیر شوروی در تهران، سادچیکف، و دادن وعده هایی در زمینه همکاری های سیاسی و اقتصادی با آن کشور، نیروهای شوروی خاک ایران را ترک کردند (مه ۱۹۴۶). این اولین موضوعی بود که الگوی جنگ سرد را در شورای امنیت در مقابله آمریکا و شوروی برقرار ساخت.

ادعای عراق علیه کویت

موضوع دوم، ادعاهای عراق علیه کویت پس از اعلام استقلال کویت از سوی انگلستان (ژوئن ۱۹۶۱) است. عبدالکریم قاسم که قدرت خود را پس از سرنگونی

خاندان هاشمی، بر عراق تحکیم کرده بود، در ۲۵ ژوئن ۱۹۶۱ اعلام کرد کویت جزو ناگسستی عراق است. عراق مدعی بود که در زمان امپراتوری عثمانی کویت جزئی از استان بصره بوده و دوران شیخ نشینی به پایان رسیده است.^۴

پس از جنگ جهانی اول که عراق تحت قیمومیت انگلستان بود، طی مبادله نامه ای در ۲۱ ژوئیه و ۱۰ اوت ۱۹۳۲ بین نخست وزیر عراق و حاکم کویت، مرزهای کویت و عراق مورد تأیید قرار گرفت.

در اول ژوئیه ۱۹۶۱، کویت، گرچه عضو سازمان ملل متحد نبود، از شورای امنیت درخواست کرد تا به تهدید عراق علیه تمامیت ارضی کویت رسیدگی کند. در ۲۰ ژوئیه، بریتانیا که حدود ۴۰ درصد نفت خود را از کویت وارد می کرد، ۵ هزار نیرو در کویت پیاده کرد. دولت عراق درخواست کرد تا همزمان، مسئله «تهدید انگلستان علیه عراق» در شورای امنیت مطرح شود. شوروی نیز از ادعای عراق حمایت کرد. نماینده شوروی گفت که تهدیدی از جانب عراق متوجه کویت نبوده است. او، ادامه استعمار اقتصادی را محکوم کرد و با تقاضای کویت برای شرکت در مذاکرات مخالفت نمود. در مقابل، آمریکا از حاکمیت و استقلال کویت و نیز اقدامات انگلستان حمایت به عمل آورد. پس از مذاکرات، شوروی طرح

قطعه‌نامه انگلستان دایر بر احترام به استقلال
کویت را وتر کرد و پیشنهاد مصر دایر
بر خروج بریتانیا حد نصاب رای لازم را
به دست نیاورد (سه رای موافق: مصر،
شوروی و سریلانکا).

در ۲۰ ژوئیه، جامعه عرب کویت را به
عنوان یازدهمین عضو خود پذیرفت و
استقرار نیروهای جامعه عرب در کویت را
اجازه داد. در ۳۰ نوامبر ۱۹۶۱، شوروی در

مخالفت با قرارداد ۱۹۶۱ (بریتانیا و کویت)
تقاضای عضویت کویت را در شورا
وتر کرد.

پس از کودتای خونین ۱۹۶۳ در عراق و
کشته شدن عبدالکریم قاسم، روابط با کویت
بهبود یافت. کویت دریافت که چگونه
امنیتش بستگی به روابط خوب با قدرتهای
خارج از منطقه دارد و بدین ترتیب کویت
پیش از دیگر کشورهای جنوبی خلیج فارس
با شوروی روابط برقرار کرد و پس از آن،
شوروی از حمایت ادعای عراق خودداری
کرد. در اکتبر ۱۹۶۳، دولت عراق کویت را
به رسمیت شناخت و سند توافق در مجموعه
معاهدات سازمان ملل متحد به ثبت رسید؛
در عوض کویت وام بدون بهره قابل توجهی
در اختیار عراق گذاشت.

ایران و جزایر تنگه هرمز

به دنبال اعلام خروج بریتانیا از خلیج

فارس (۱۹۶۸) و ممانعت عراق از عبور
کشتی های ایران با پرچم و افراد نیروی
دریایی ایران از اروندرود، دولت ایران
قرارداد ۱۹۳۷ را بی اعتبار اعلام کرد.
دولتهای ایران و عراق در ۲۹ آوریل ۱۹۶۹،

به طور جداگانه نامه هایی برای رئیس شورای
امنیت فرستادند و از اقدامات طرف دیگر
شکایت کردند، ولی خواستار اقدامی از
سوی شورای امنیت نشدند.

ایران و انگلستان حل مسئله بحرین را به
سازمان ملل متحد ارجاع کردند و دیر کل از
طریق اعزام نماینده ویژه خود، «گیچاردی»،
دو طرف را در حل و فصل مسالمت آمیز
موضوع یاری کرد. به دنبال تصرف جزایر
دهانه هرمز از سوی ایران در ۳۱ دسامبر
۱۹۷۱، دولتهای الجزایر، عراق، مراکش و
یمن جنوبی در خوراسات کردند جلسه
اضطراری شورای امنیت برای بررسی
«وضعیت خطرناک ناشی از اقدام ایران»
تشکیل شود. در ۸ دسامبر، شورا بدون
توجه به شکوائیه فوق، امارات متحده عربی
(مركب از هفت شیخ نشین) را به عضویت
سازمان ملل متحد پذیرفت.

در ۹ دسامبر، شورای امنیت درباره
موضوع به بحث پرداخت، ولی اقدامی به
عمل نیاورد. سفیر عراق، آمریکا و انگلستان
را متهم کرد که از ایران پشتیبانی کرده و آن
کشور را به صورت پلیس خلیج فارس

درآورده اند. برخی نیز مسئلهٔ تبانی بریتانیا و ایران را مطرح کردند؛ زیرا تصرف جزایر یک روز پیش از خروج نیروهای بریتانیا از منطقه صورت گرفته بود. نمایندهٔ بریتانیا در پاسخ به این اعتراضات گفت: «آنچه صورت گرفته است با توافق و اصرار دول مربوطه غرب بوده و این امر نتایج مثبتی بیار آورده که در جهت صلح و ثبات منطقه بوده است و در غیر این صورت، بی نظمی و دشمنی پدید می آمد.»

گروگانهای آمریکایی و تهاجم شوروی به افغانستان

در ۹ نوامبر ۱۹۷۹، نمایندهٔ آمریکا، مک هنری، طی نامه ای به رئیس شورای امنیت اعلام کرد که دیپلماتهای آمریکایی در ایران به گروگان گرفته شده اند و از رئیس شورا خواست راه رهایی آنها را مورد بررسی قرار دهد. رئیس شورا پس از مشورتهای فوری، بیانیه ای منتشر کرد که در آن اصل عدم تعرض به دیپلماتها را مورد تأیید قرار داد و خواستار آزادی آنها شد و از دبیرکل نیز خواست تا امکانات خود را برای این منظور به کار گیرد.

حملهٔ ۲۲ دسامبر ۱۹۷۹ شوروی به افغانستان، حساسیت روابط آمریکا و شوروی را افزایش داد. شوروی در مورد گروگانها با هر گونه پیشنهاد در مورد اعمال

تحریمهای فصل هفتم منشور علیه ایران مخالفت کرد. از سوی دیگر، کشورهای غیرمتعهد طرح قطعنامه ای را به جلسهٔ اضطراری شورای امنیت پیشنهاد کردند که در آن خروج فوری و بی قید و شرط تمام نیروهای خارجی از افغانستان را مطرح نموده بودند. این قطعنامه را شوروی و تو کرد. همچنین شوروی طرح قطعنامهٔ آمریکا دایر بر تحریم کامل اقتصادی ایران تا زمان آزادی گروگانها را وتو کرد. گرچه سفیر شوروی، ترویانفسکی، به نقض مصونیتهای دیپلماتیک از سوی ایران اعتراض کرد، ولی آن کشور در باطن از این موضوع خوشحال بود.

حملهٔ عراق به ایران

به دنبال برخوردهای مرزی بین ایران و عراق، صدام حسین، رئیس جمهور عراق، در ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ اعلام کرد: «از این به بعد شط العرب کلاً عراقی و عربی است.» دو روز بعد، برخورد بین قایقهای گشتی ایران و عراق در اروند رود گزارش شد. در ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰، نیروهای عراقی به خاک ایران هجوم بردند، هر چند مادهٔ ۵ قرارداد الجزیره مقرر می داشت «مرز بین دو کشور غیر قابل تعرض، دائمی و نهایی است.» عراق، طی نامه ای به دبیرکل اقدام خود علیه ایران را «اعمال حق دفاع مشروع به منظور استرداد سرزمین اش با توسل به زور»

توصیف کرد. واکنش شورای امنیت به تجاوز عراق متناسب با اهمیت واقعه نبود. این امر بعضاً ناشی از جوئی بود که در اثر گروگانگیری دیپلماتهای آمریکایی پدید آمده بود و بعضاً به خاطر فعالیتهای نماینده عراق، عصمت کتانی، در سازمان ملل متحد بود. هدف نماینده عراق در این مرحله از جنگ، جلوگیری از تصویب قطعنامه ای دایر بر آتش بس بود. به گفته یکی از معاونان دبیرکل، اعضای شورای امنیت منتظر یک پیروزی سریع و کامل عراق بودند. طی ۴۸ ساعت بعد، عراق در طول خط مرزی به حملات خود ادامه داد. در ۲۸ دسامبر، صدام اعلام کرد که او از آتش بس و مذاکره مستقیم استقبال می کند. در آن زمان، عراق برای جلسه شورای امنیت آماده بود. این جلسه در همان تاریخ تشکیل شد و به اتفاق آرا قطعنامه (۱۹۸۰) ۴۷۹ را به تصویب رساند. این قطعنامه تقاضای آتش بس کرده بود، ولی در مورد عقب نشینی نیروها ساکت بود. بعلاوه، در قطعنامه به جنگ به عنوان «وضعیت» اشاره شده بود (ونه حتی دعوا)، در حالی که به طور آشکار صلح و امنیت بین المللی نقض شده بود. در این مورد، برخلاف رویه معمول، اعضا بعدها درباره رای خود توضیح ندادند. در دو هفته بعد، کورت والدهایم، دبیر

کل سازمان ملل، کوشش کرد تا کشتی هایی را که در اروند رود در پی جنگ متوقف شده بودند با پرچم سازمان ملل از آبراه عبور دهد. ایران با این امر موافقت کرد، ولی عراق موافقت خود را موکول به استفاده از پرچم عراق بر فراز کشتی ها، (به نشانه مالکیت عراق بر رودخانه)، نمود. ایران قبول آتش بس را موکول به خروج نیروهای عراقی از خاک خود نموده و اعلام کرد مادام که نیروهای عراقی داخل خاک ایران هستند، آتش بس را نخواهد پذیرفت. همچنین تلاشهای سازمان کنفرانس اسلامی که ضیاء الحق، رئیس جمهور پاکستان، را بدین منظور به تهران فرستاده بود، بی نتیجه ماند. میانجیگری اولاف پالمه، نخست وزیر سابق سوئد، نیز که از سوی دبیرکل به همین منظور انتخاب شده بود، به جایی نرسید.

یک سال پس از حمله عراق، ایران توانست نیروهای خود را متشکل ساخته، در سپتامبر ۱۹۸۱ ضدحمله خود را آغاز کند و با عملیات «ثامن الائم» محاصره آبادان را در هم شکند. با افزایش حملات ایران، عقب نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران آغاز گردید و سرانجام در ۲۴ آوریل خرمشهر آزاد شد.

در ۱۰ ژوئن ۱۹۸۲، عراق آمادگی خود را برای خروج از ایران و آتش بس یک طرفه اعلام کرد. ایران قبول آتش بس را موکول به

پرداخت ۱۵۰ میلیارد دلار غرامت و مجازات و سرنگونی حکومت صدام نمود. از آن پس، لحن قطعنامه های شورای امنیت عوض شد. در قطعنامه ۵۱۴ (۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲) شورا برای اولین بار از طرفها خواست تا فوراً به مرزهای شناخته شده بین المللی عقب نشینی کنند.

با شروع حملات ایران به خاک عراق، دولت آمریکا که در آغاز از وحدت و تمامیت ارضی ایران پشتیبانی کرده بود، بتدریج روابط خود را با عراق بهبود بخشید و بسوی آن کشور متمایل شد. عراق با تسلیحاتی که در اختیارش قرار داده بودند، از جمله هواپیماهای سوپراتاندارد فرانسه، حمله به تاسیسات نفتی و هدفهای نظامی و شهرهای ایران را تشدید کرد. حملات عراق به چاهها و پایانه های نفتی ایران در خلیج فارس در ۱۹۸۴ موجب آلودگی وسیعی از مناطق دریایی ایران به وسعت ۱۲ هزار مایل مربع شد. جنگ نفتکشها و حمله به شهرها در ۱۹۸۴ بالا گرفت و همراه با آن قطعنامه های شورای امنیت متوجه حفظ امنیت کشتیرانی بین المللی و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس شد. با توجه به اینکه هدف قدرتها حفظ موازنه در خلیج فارس بود، پیشروی ایران در خاک عراق، بویژه تصرف جزیره فاو، آنها را نگران ساخت. آمریکا پیشنهاد کرد که قطعنامه الزام آوری تحت فصل هفتم

منشور دایر بر توقف جنگ و عقب نشینی نیروها به تصویب برسد و در صورت عدم اجرای قطعنامه از ضمانت اجراهای فصل هفتم استفاده شود. عراق در این بین از نیروی هوایی خود علیه هدفهای اقتصادی و نظامی ایران استفاده کرد و با بکارگیری سلاحهای شیمیایی و حمله به شهرها وسیله ای برای ایجاد رعب و هراس تدارک دید.

پس از انتخاب خاویر پرز دو کوئیار به سمت دبیر کلی سازمان ملل متحد (۱۹۸۶)، وی در مشورت نزدیک با اعضای دائمی شورای امنیت و نیز ایران و عراق طرح ۸ ماده ای معروف خود را تهیه کرد که مبنای قطعنامه ۵۹۸ قرار گرفت و در ۱۹۸۷ مورد تصویب ایران نیز قرار گرفت. در آن موقع، عراق برای آتش بس شریطی را مطالبه می کرد از جمله مذاکره مستقیم با ایران که سرانجام زیر فشار شوروی و فرانسه، تامین کنندگان عمده تسلیحات عراق، و نیز عربستان سعودی در شورای همکاری خلیج فارس، آتش بس در ۲۰ اوت ۱۹۸۸ برقرار شد و نمایندگان دو طرف برای مذاکره تحت سرپرستی دبیر کل سازمان ملل متحد در ۲۵ اوت در ژنو حضور یافتند.

همکاری بین اعضای دائمی شورای امنیت، بویژه آمریکا و شوروی، در ماجرای تهاجم عراق به کویت بیشتر آشکار شد. در

اینجا، قطعنامه های متعدد هماهنگی اعضای

دائمی شورای امنیت را - طبق طرح منشور

سازمان ملل متحد - به نمایش گذاشت .

درواقع ، سازمان ملل متحد برای اولین بار

توانست طبق فصل هفتم اجازه استفاده از

نیروهای نظامی را تحت فصل هفتم منشور

صادر کند و این امر با توافق هر پنج عضو

دائمی صورت گرفت - در گذشته فقط در

مورد آفریقای جنوبی و رودزیا برخی

تحریمها به تصویب رسیده بود . همکاری

اعضای دائمی به دلیل پایان جنگ سرد امکان

پذیر شده بود و این همکاری به نقاط دیگر

بحرانی در مناطق مختلف جهان از جمله

نامیبیا، کامبوج و افغانستان نیز گسترش یافته

بود .

از نکات جالب توجه در کتاب، شرح

تفصیلی چگونگی توافق بر سر قطعنامه ها در

مشورت‌های غیر رسمی و نیز نقش کشورهای

غیر متعهد در ارائه طرح قطعنامه در مذاکرات

غیر رسمی است . درواقع ، وقتی قطعنامه ای

به جلسه علنی شورای امنیت می آید، غالباً با

بلند کردن دست و بدون مذاکره به تصویب

می رسد و این امر ناشی از مذاکرات

محرمانه، بویژه بین اعضای دائمی، است .

شایان ذکر است نویسنده کتاب به عنوان

یکی از اعضای هیئتهای نمایندگی از نزدیک

ناظر جریان کار در شورای امنیت بوده،

کتاب خود را با بیطرفی کامل به رشته تحریر

درآورده است .

هوشنگ مقتدر

استاد علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران



ژئوپلیتیک جدید ترکیه : از منطقه بالکان تا چین غربی

Fuller, G.E. and Lesser, Ian O., *Turkey's*

New Geopolitics, From the Balkans to

Western China, Boulder, Colorado:

Westview Press, 1993, 197 pages.

در خلال مطالعاتی که در مؤسسه رند درباره

مدیترانه، خاورمیانه، کشورهای حوزه بالکان

و شوروی انجام می شد، فکر انجام یک

ارزیابی جدید از چشم اندازها و جهت

گیری های آینده ترکیه نیز در پاییز ۱۹۹۰

شکل گرفت . لازم با یادآوری است که

مؤسسه رند به دلیل ارائه فکر و اطلاعات به

نهادهای سیاسی، اقتصادی و نظامی، بویژه

سازمان سیا، از مهم ترین مؤسسات پژوهشی

و مطالعاتی خصوصی آمریکاست .

پژوهشگران و تحلیل گران این مؤسسه سعی

دارند دولتمردان آمریکا را در هر صحنه سیاست